



را خیلی بالا ببرم، اما من همیشه المپیک را قله‌ی هر موفقیتی می‌دانم. به طور کلی نگاه همه‌ی مسئولان، چه مسئولان سیاسی، چه مسئولان وزارت ورزش، چه مسئولان فدراسیون، چه مسئولان هیات‌های ورزشی و مربیان و ورزشکاران، باید المپیکی باشد. تا این دید درست نشود، همین هستیم که الان می‌بینید. باید بفهمند که جایگاه المپیک کجاست. اینطور نباشد که تا والیبالی یا کشتی در آسیا قهرمان شدند، بیایند شلوغ کنند؛ قهرمانی در آسیا شلوغ کردن ندارد.»

علیرضا دبیر معتقد است برای رسیدن به موفقیت در المپیک، هرگز نباید از قهرمانی در آسیا ابراز خوشحالی کرد: «کسی که می‌خواهد قهرمان المپیک باشد، هیچوقت از کسب مقام در آسیا خوشحال نمی‌شود. متأسفانه برخی از رشته‌ها نمایش اجرا می‌کنند. جام جهانی کشتی را مثال می‌زنم که اهمیتی ندارد. رویدادی درجه چهار که نتیجه‌ی آن هیچ اهمیتی ندارد. مسابقات قهرمانی جهان مهم است، اما همیشه جام جهانی را مهم نشان دادند. پنج بار قهرمان جام جهانی شدیم، خوب چه اتفاقی افتاد؟ شاید برای آنها مهم باشد اما اگر با همین تفکر نگاه کنند، دیگر نمی‌توانند در المپیک کار کنند. اگر دید، المپیکی شود، دیگر کسی با قهرمانی آسیا ارضا نمی‌شود.»

درخشش کشورهای قدرتمند در المپیک

او در پاسخ به اینکه کشتی برای المپیک‌محور بودن در دوره‌ی مدیریت علیرضا دبیر، چه روشی را در پیش

گرفته است؟ از توجه ویژه به قهرمانان المپیک و همچنین راه‌اندازی سند راهبردی کشتی گفت: «در سند توسعه که خدا توفیق داد و تهیه کردیم، نگاه کشتی را المپیکی دیدیم. در همین سالن که در حال بازسازی است، عکس قهرمانان المپیک را بزرگ کار کردیم، اما تصویر دارندگان مدال نقره و برنز را کوچک کردیم تا در ساختار کشتی این را نشان بدهیم که طلای المپیک با نقره و برنز قابل قیاس نیست. باید به نسل‌های بعد نشان دهیم که المپیک مهم است.»

مدال المپیک، مهم‌تر از هر موفقیتی در سایر رقابت‌هاست؛ این نگاه مهم دبیر به اداره‌ی ورزش است: «یک دلیل دیگر که اعتقاد دارم المپیک از جام جهانی بزرگ‌تر است، به تیم‌های برتر این بازی‌ها برمی‌گردد. سه کشور برتر دنیا یعنی چین، آمریکا و روسیه، در بازی‌های المپیک همیشه برتر هستند. تابه‌حال کسی به این نکته توجه کرده بود که این سه کشور در جام مطرح جهانی نیستند؟ همین نشان‌دهنده‌ی اهمیت بالای المپیک است.»

پول همه‌چیز نیست

نگاه المپیکی علیرضا دبیر باعث شد تا رئیس فدراسیون کشتی برخی از نتایج را برای فریب مردم بداند: «نگاه ما المپیک‌محور نیست. حتی خیلی از روسای فدراسیون‌ها و ورزشکاران و مربیان و مردم را گول می‌زنند. تا زمانی که از عوض شدن بترسند، همین است. همین الان به مربیان‌ام اعلام کردم که برای ما قهرمانی در آسیا اهمیتی ندارد. نگران چه هستند؟ انتقادات و برکناری احتمالی؟ در نهایت من زیر سوال می‌روم، خوب بروم. چهار روز کار کنم، بهتر از این است که پنج سال بمانم و مردم را فریب بدهم. چرا آمریکا، چین و روسیه المپیک‌محور باشند و ما نباشیم؟ البته به این نکته باید تاکید کنم که کشورهایی در ورزش موفق هستند که اقتصاد قوی دارند.»

اصرار دبیر به اهمیت المپیک و مثال زدن از کشورهای برتر در عرصه‌ی اقتصاد در این راه، این نگاه را به وجود می‌آورد که پول نقش مهمی دارد، اما پول مهم‌تر است یا برنامه؟ دبیر در پاسخ به این سوال می‌گوید: «همه‌چیز پول نیست؛ بلکه مهم برنامه است. شما اگر برنامه‌محور باشید، به‌حتم پول هم می‌آید. ما قبل از پول، مشکل برنامه داریم. شما سند توسعه‌ی کشتی را بخوانید؛ آن را المپیک‌محور نوشتیم. البته این طور هم نیست که فقط بُعد فنی را دیده باشیم. باید در فرهنگ، اقتصاد، عمران و در زیرساخت کار کرد. باید در هشت‌الی نه حوزه، همزمان کار را پیش برد. وقتی المپیک‌محور کار کنیم، باید بچه‌ها جای خوب بخوابند، غذای

خوب بخورند، بهترین امکانات را داشته باشند و بهترین تیم‌های دنیا به اینجا بیایند. باید کار فرهنگی و اقتصادی انجام داد. وقتی کشتی‌گیر تمرین سخت را انجام داد، باید به لحاظ معنوی از جایی تغذیه شود. اگر مسائل معنوی را انجام ندهیم، دچار مشکل می‌شود.»

طلای سیدنی را از خدا گرفتم

برنامه‌ی المپیکی از رئیس فدراسیونی که خودش قهرمان المپیک است، حالا این سوال را به وجود می‌آورد که خودش مدال دبیر، مدال طلای المپیک سیدنی را هدیه‌ی خدا می‌داند: «در سیدنی، ۲۲ ساله بودم. اوضاع خوبی نداشتم. با شکم پاره به سیدنی رفتم. دوماه‌ونیم قبل از المپیک سیدنی شکم‌ام را عمل کردم. عمل سختی هم بود. یک توری داخل شکم‌ام کار گذاشتند که اسم‌اش میش بود. جوش نخورده بود و خیلی اذیت می‌کرد. ده کیلوگرم هم باید وزن کم می‌کردم تا برسم روی وزن ۵۸ کیلوگرم، که خیلی اذیت‌کننده بود. ولی از خدا خواستم کمک کند تا پرچم را بالا ببرم. این اتفاق هم افتاد. قبل از من، کسی پرچم نمی‌چرخاند، از همان جا هم باب شد. بعد از سیدنی بود که همه‌ی قهرمانان پرچم گرفتند.»

بعد از بازگشت دبیر از المپیک سیدنی به‌عنوان قهرمان، این توقع به وجود آمد که او حالا باید دومین طلا را هم بگیرد؛ اتفاقی که تا همین حالا هم برای هیچ کشتی‌گیری در تاریخ رخ نداده است. اما المپیک آتن برای علیرضا دبیر بسیار سخت و پرحاشیه شد. او با شکم پاره به سیدنی رفته بود و این بار با کتفی پاره راهی ۲۰۰۴ آتن شد: المپیک آتن هم با کتف پاره رفتم. قبل از رفتن به المپیک هم به همه گفتم وضعیت این است و اول نمی‌شوم، چون حریف خوبی داشتم. دست‌ام را همین الان هم بلند کنم، کتف راست‌ام بالا نمی‌رود. هفت تا پیچ و مهره کار گذاشتند که هنوز هم هست.»

آتن را برای خودم رفتم، شکست خوردم

رفتن به آتن با آن وضعیتی که دبیر داشت، شاید نتیجه‌ای قابل پیش‌بینی داشت، اما با وجود قابل پیش‌بینی بودن، از دبیر خیلی انتقاد شد. موضوعی تکراری در مورد برخی دیگر از قهرمان‌ها، که با وجود اینکه مشخص بود شرایط کسب مدال برای آنها فراهم نیست، اما با این حال از آنها انتقاد شد «گذشته‌ها گذشته ولی همیشه همین بوده است. با موحد و حمید سوریان هم همین کار را کردند. هفت، هشت سال می‌خواستند من را بزنند، اما نمی‌شد و به لطف خدا نتیجه می‌گرفتم. دیدگاه همه هم همین بود که من بروم. خودم،

مربی‌ان و کمیته‌ی ملی المپیک، همه می‌خواستند این اتفاق بیفتد و الان نمی‌شود کسی را به‌عنوان مقصر معرفی کرد. جنجال‌های آن موقع بهانه بود، چون می‌خواستند مرا بزنند. جالب اینکه خبرنگارهایی که برای کشتی نبودند، جنجال درست کردند و الان از من حلالیت می‌خواهند.»

شاید سوال مهم این باشد که دبیر وقتی می‌دانست گرفتن طلا برای او شاید ممکن نباشد، چرا اصرار به رفتن داشت: «دربار‌ی المپیک آتن خیلی صادقانه باید بگویم که من برای المپیک سیدنی به‌خاطر خدا رفتم و از خدا خواستم و طلا شد، اما برای المپیک آتن رفتم که دومین طلا را بگیرم اما نشد؛ کار برای خدا نباشد همین است. المپیک اول از خدا خواستم که دست‌ام را بگیرد که گرفت، اما در المپیک آتن همه‌ی فکرم طلای دوم بود که نشد. بعد هم که برگشتم، در ۲۶ سالگی رفتم دنبال زندگی‌ام.»

حسرت طلای آتن را نمی‌خورم

گرفتن مدال طلا در المپیک چرا برای برخی از قهرمان‌ها اتفاق نمی‌افتد؟ علیرضا دبیر می‌گوید یا باید ندانی یا باید خیلی بدانی تابه طلای المپیک برسی: «۲۲ سالگی پخته بودم؛ دو دوره‌ی جهانی رفته بودم و دو مدال داشتم. در بیست سالگی قهرمان جهان بودم. برای المپیک یا باید خیلی پخته بود؛ مثل حمید سوریان در ۲۰۱۲ لندن، که بفهمید و به مدال طلا برسید، یا باید مثل حسن یزدانی ۲۰۱۶ آنقدر جوان باشید که متوجه جو المپیک باشید. حد وسط در المپیک بازنده است. در المپیک سیدنی، حسین رضازاده متوجه جو المپیک نبود و نمی‌دانست چه مدال مهمی گرفته است. بسیاری از قهرمانان جهان، مدال‌های جهانی گرفتند، اما مدال المپیک فرق دارد. با حسین رضازاده و حسین توکلی رفیقم. بلافاصله بعد از اینکه قهرمان شدند، گفتم شما متوجه نشدید چه مدال مهمی گرفتید. حسین رضازاده در آتن، پخته شده بود و اگر مصدوم نمی‌شد، به‌حتم سومین مدال طلای المپیک را در ۲۰۰۸ پکن می‌گرفت.»

طلای دوم المپیک برای تمام کشتی‌گیران ایران در تاریخ یک حسرت بوده، اما با وجود این علیرضا دبیر می‌گوید: «حسرت مدال طلای آتن را نمی‌خورم. چون باور دارم که یک برگ بدون خواست خدا نمی‌افتد. همه‌ی اینها برای من نوشته شده بود. دو سال قبل از المپیک باید کارم را درست می‌کردم. ولی این دلیل نمی‌شود که من بهتر و بیشتر کار نمی‌کردم. دو سال قبل از المپیک، به مشکل خورده بودم. باید جراحی می‌کردم، یا در برخی از مسابقات نمی‌رفتم، یا در انجام بعضی از تمرین‌ها بیشتر دقت می‌کردم، شاید هم نباید وزن‌ام را تغییر می‌دادم.»